



ایران الگوی آزادی خواهان
در مبارزه با رژیم
صهیونیستی است



تکرار ادعای نخ‌نمای
استفاده از «تسلیمات
شیمیایی» غرب از اوضاع
عراق درس می‌گیرد؟



نگاهی بر آرا و افکار «آتاسوی مفتی اوغلو» اندیشمند ترکیه‌ای درباره انقلاب اسلامی

«مانیفست بهشت زهرا» تنها راه نجات اسلام!





◀ تبادل اسرا و پیکر شهدای مقاومت در فووعه و کفر با ترور بیست ها

نخستین مرحله از تبادل ساکنان تحت محاصره شهر کهای فووعه و کفر با در سوریه آغاز شد. بر اساس توافق شهرهای پنج گانه قرار است هشت هزار نفر از ساکنان فووعه و کفر با به حلب و در مقابل نزدیک به چهار هزار معارض مسلح به ادلب منتقل شوند. علاوه بر این همچنین گفته شده که در نخستین مرحله از این توافق ۱۹ اسیر از ترور بیست ها که در بند کمیتة های مردمی فووعه و کفر با بودند، در مقابل اجساد هفت شهید و شمار زیادی از شهروندان ربوده شده ساکن فووعه و کفر با آزاد خواهند شد. این توافق از نیمه شب سه شنبه گذشته آغاز شده و در ادامه طی روز چهارشنبه ۳ هزار و ۸۰۰ نفر از افراد مسلح نیز به همراه خانواده هایشان از شهر کهای «مضایا بقین، الزبدانی، والجبل الشرقي» واقع در رف دمشق به سوی استان ادلب خارج شدند. عملیات تبادل ساکنان فووعه و کفر با که تحت محاصره گروه های شورشی و تروریستی در ادلب به سر می بردند، پیشتر پس از آزادسازی شهر حلب از سر گرفته شده بود، که این عملیات به دلیل سنگ اندازی و تیراندازی ترور بیست های موجود در ادلب نتوانست به طور کامل اجرا شود.

[قبله اول]

سخن نخست

حالا توپ در زمین ارتش سوریه است

محمد مهدی رحیمی



در حالیکه ایران اسلامی این روزها بطور نسبتا جدی درگیر انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم است که حالا با ثبت نام نامزدها تنورش گرمتر شده، اما کمی آن سوتر در جمهوری عربی سوریه، اوضاع به شکل دیگری داغ است. هجده رسانه های غربی علیه حکومت قانونی افزایش پیدا کرده، گفتگوهای سیاسی طرفین موثر بر بحران به حداکثر خود رسیده و نشست های دو و چند جانبه مدام در حال برگزاری است.

اما در پس پرده همه اینها باید دست انتقام را دید. انتقام از ملت و حکومتی که سالها در قالب محور مقاومت در برابر صهیونیست های غاصب ایستاده و از گروه های مقاومت در فلسطین و لبنان دفاع کرده است.

اتهام نخ نما شده استفاده از سلاح های غیرمجاز مانند بمب شیمیایی که این روزها بازارش حسابی داغ است البته پیش از این علی الظاهر بهانه مناسبی بود تا غربی ها به سرکردگی آمریکا خاک عراق را به توبه بکشند و صدام را که روزی نوکری حلقه به گوش شان بود، از صدر زین به پایین بکشند. برخی شواهد و قرائن حکایت از پیاده سازی همان مدل در خصوص سوریه دارد. اگر چه با توجه به دلایل متعدد امکان تحقق این اتفاق و در صورت رخ دادن امکان توفیق آن کم و ناچیز است لکن در این مجال قصد دارم به علت این اقدام احتمالی که باید آنرا انتقام گیری از ملت سوریه نام نهاد، بپردازم.

اتهام پهره ارتش سوریه از سلاح شیمیایی در حالی مطرح شد که بطور کلی فضای سیاسی سوریه به سمتی پیش می رفت که همزمان با پیروزی ها در موصل عراق، تأکیدات اصلی بر مبارزه با تروریسم و لزوم تمرکز بر جنگ با داعش سوق پیدا کرده بود. چنین اوضاعی برای جریان غربی و سعودی که آرزوهایشان را پس از شکست در حلب و ضربه در اطراف حماه بر باد رفته می دیدند، ناباورانه بود. رفته رفته دولت ترامپ نیز عقب نشینی کرده و علایمی از تمایل آشکار به تغییر رویکرد در سوریه را از خود نشان داده بود، چیزی که به مزاج برخی کشورها همچون عربستان، قطر، ترکیه و رژیم صهیونیستی و همچنین برخی جناح های داخلی آمریکا و تروریست های تکفیری حاضر در سوریه خوش نیامد.

این شرایط و فشارها که علائم جدی آنرا باید در سفر محمد بن سلمان به آمریکا جستجو کرد تا جایی ادامه یافت که دولت ترامپ علیرغم اینکه سیاست نظامی خود را به جای «تهاجم» بر مبنای «بازدارندگی» تعریف کرده بود؛ وادار شد این حمله نمایشی و موقت را علیه دولت سوریه که در خط مقدم جبهه نبرد علیه تروریست ها قرار دارد، انجام دهد.

نشانه دیگر از بی برنامگی و نابسامانی در این حمله موشکی و حواشی بعد از آن را باید در بهانه حمله موشکی آمریکا به سوریه یعنی ادعای بمباران شیمیایی ارتش سوریه در ادلب هم جستجو کرد. باید پرسید چرا در روزهایی که ارتش سوریه دست برتر را دارد و مذاکرات سیاسی مهمی در حال انجام است، اقدام به حمله شیمیایی کند و خودش را در مظان اتهام قرار دهد؟ چرا اسد در شرایط کنونی که تروریست ها هیچ برگ برنده ای برای به کرسی نشاندن خواسته های خود در هر گونه مذاکرات سیاسی با دمشق در اختیار ندارند، باید دست به چنین اقدامی بزند؟ جنگل و هیاوهی غربی ها در حالی است که چند سال قبل ارتش سوریه برای رفع اتهامات، کلیه تسلیحات شیمیایی خود را تحویل طرف های بین المللی داده و سازمان ملل نیز عاری بودن ارتش سوریه از هر گونه سلاح شیمیایی را تأیید کرده بود. اما آنچه که مهم است حالا توپ در زمین ارتش سوریه و متحدین اوست. طرف آمریکایی می خواهد زور بازو نشان دهد و اگر در برابر زور آزمایی اش حرکتی نشود تبعاتش زیاد خواهد بود، بهترین پاسخ نیز تمرکز بیشتر و سریع بر آزادسازی مناطق اشغال شده تروریست هاست.

انقلاب اسلامی ایران الگوی آزادی خواهان فلسطین در مبارزه با اشغالگران صهیونیستی است



کاروان «آزادی غزه» در مه ۲۰۱۰ شامل ۹ کشتی از ۴۰ کشور و با حضور ۸۰۰ فعال حقوق بشر خارجی و حامی غزه، از بندر آنتالیای ترکیه راهی غزه شد تا با شکستن محاصره تحمیل شده از جانب صهیونیست ها بر این منطقه کمک های پزشکی، دارویی و غذایی به اهالی باریکه غزه برساند. کاروان آزادی به ۵۰ مایلی ساحل غزه نزدیک که شد کشتی های اسرائیلی در نیمه های شب آنرا محاصره کرده و با بالگردهای خود سرنشینان آنرا مورد هدف قرار دادند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد این اقدام را که منجر به شهادت ۹ فعال صلح طلب و زخمی شدن بسیاری شد، محکوم کرد و خواستار «یک تحقیق سریع، بی طرفانه، موثق و شفاف مطابق با استانداردهای بین المللی» شد. همچنین سازمان کنفرانس اسلامی نشست فوق العاده کمیته اجرایی را با حضور وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی بر گزار کرد و در این نشست راه های مقابله با جنایات اسرائیل و کمک به مردم غزه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

دکتر «هانی سلیمان» رئیس کمیته شکست محاصره غزه در لبنان، ریاست کاروان اعزامی از این کشور به کاروان آزادی را برعهده داشت که با حضورش در کشتی «ماری مرمره» توانست صدای آزادی و مظلومیت مردم مظلوم غزه را به گوش سایر کشورهای جهان برساند. وی که جزو مجروحان آن حادثه است و اکنون شش دهه از زندگی خود را در راه مبارزه با اشغالگری رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین می گذراند در گفت و گو با بیت المقدس با اشاره به حمله صهیونیست ها به ناوگان آزادی غزه می گوید: پس از جمع آوری کمک های بشر دوستانه برای مردم مظلوم غزه که تحت محاصره همه جانبه اسرائیلی ها بودند از بندری در ترکیه عازم سرزمین فلسطین شدیم. همه دوستان و فعالان حقوق بشر که حامی مردم محاصره شده غزه بودند برای همراهی و مشارکت با ما در این اقدام انسان دوستانه همراه شدند. بیشتر تجهیزات پزشکی و دارویی و خوراکی در نظر گرفته شده بود تا بتوانیم زخمی از این مردم رنج دیده را درمان کنیم.

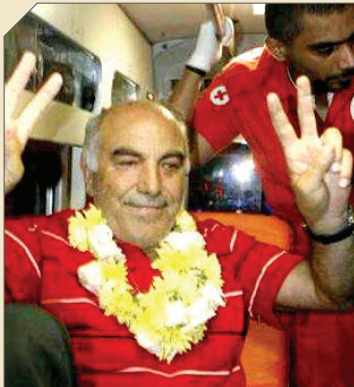
وی ادامه می دهد: صدها نفر در حالی این کاروان را همراهی می کردند که نگاهشان به این اقدام صلح جوانه و بشر دوستانه بود تا هر گونه تنش و یا برخوردی با مخالفین این اقدام صورت نگیرد. چیزی تا مقصد نهایی یعنی غزه باقی نمانده بود که نیمه شب با محاصره نیروهای دریایی و هوایی رژیم صهیونیستی مواجه شدیم و یورش وحشیانه آن ها باعث شد تا ده ها نفر از دوستان و همراهان ما شهید و مجروح شوند. خود من از ناحیه پا و سر به شدت مجروح شدم و این عصایی که امروزه به دست می گیرم یادگار همان جراحاتی است که از سوی اشغالگران به من وارد

شد. با وجودی که سلاحی نداشتیم و خودمان را تسلیم کرده بودیم ولی ما را مورد ضرب و شتم قرار دادند و حتی برخی از دوستانمان را با گلوله مورد اصابت قرار دادند.

این فعال ضد اشغالگری می افزاید: حملات آن ها به قدری وحشیانه بود که فکر نمی کردیم زنده بمانیم. پرواز هلی کوپترها بر فراز کشتی و محاصره ناوگان آزادی غزه نشان از این بود که آنها دوست ندارند تا وضعیت جاری در غزه و

محاصره غزه در لبنان شکل گرفته است که با کمک های انسان دوستانه اش تلاش می کند تا بخشی از دردها و مشکلات مردم این کشور اشغال شده را درمان کند. این کمیته ها در بیشتر کشورهای جهان فعال است و امیدوارم بار دیگر کمک های شایسته ای در همان سطح و اندازهای که در گذشته شاهد بودیم بتوانیم به مردم فلسطین داشته باشیم.

وی با اشاره به اینکه با حمایت کشورهایی



انقلاب اسلامی ایران
الگوی آزادی خواهان
فلسطین در مبارزه با
اشغالگران صهیونیستی است
و با حمایت ها و اقدامات صلح
جویانه ای که انجام می دهد
احترام به حقوق انسان دوستانه
مردم مظلوم فلسطین را عملا
نشان می دهد

همچون جمهوری اسلامی ایران از مردم مظلوم فلسطین می توان به آرمان آزادی غزه و سرزمین فلسطین دست یافت، اظهار می دارد: انقلاب اسلامی ایران الگوی آزادی خواهان فلسطین در مبارزه با اشغالگران صهیونیستی است و با حمایت ها و اقدامات صلح جویانه ای که انجام می دهد احترام به حقوق انسان دوستانه مردم مظلوم فلسطین را عملا نشان می دهد. برگزاری کنفرانس حمایت از انتفاضه مردم فلسطین که اخیرا در تهران برگزار شد نشان دهنده حمایت ایران از تلاش ها برای آزادی این سرزمین است که با وحدت و اتحاد سایر کشورهای اسلامی به زودی محقق خواهد شد.

ظلم و جنایتی که به مردم این سرزمین صورت گرفته توسط حامیان حقوق بشر دیده و با رسانه ای شود از همین رو بود که جلوی حرکت ما به سرزمین غزه گرفته شد و این خشونت را علیه دوستان و همراهان کشتی انجام دادند. اما صهیونیست ها اگر چه با این اقدام به ظاهر جلوی کمک های انسان دوستانه ما را گرفتند ولی در چشم جهانیان خوار و ذلیل شدند چرا که بسیاری از کشورهای جهان از جمله سازمان های جهانی این اقدام را محکوم کردند و اینگونه ظلم اسرائیلی ها به مردم فلسطین بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

سلیمان تأکید می کند: اکنون کمیته شکست



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

[اندیشمندان]



آیت الله مکارم شیرازی: رهایی از خشونت و ترور، نیازمند عزم جدی رهبران دینی جهان است

در بیانیه آیت الله مکارم شیرازی به مناسبت حمله وحشیانه به دو کلیسای مسیحیان در مصر آمده است:

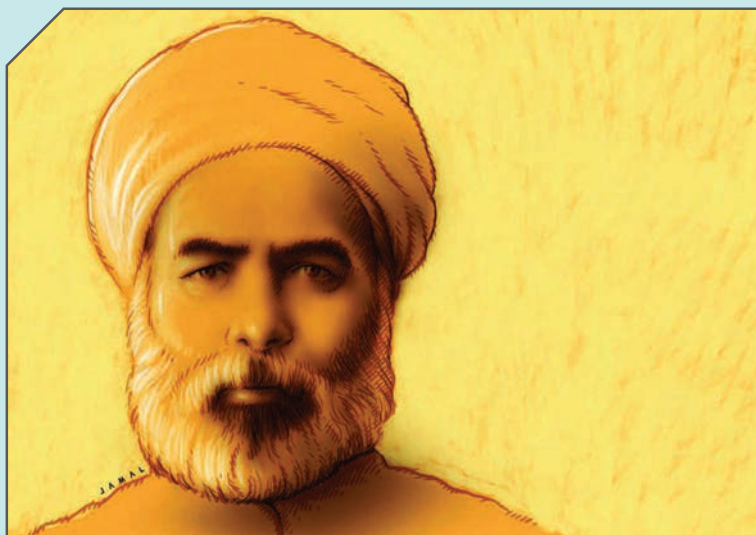
بسم الله الرحمن الرحيم خبر حمله وحشیانه عوامل انتحاری داعش به دو کلیسای مصر باعث تأسف و تأثر شدید گردید. متأسفانه گروه‌های تکفیری و ضد دین برای بدنام کردن نام اسلام و ترویج اسلام‌هراسی، هر روز در نقطه‌ای از عالم دست به جنایت و خون‌ریزی می‌زنند. یک روز در سوئد به عابران پیاده حمله‌ور می‌شوند و یک روز در روسیه مسافران بی‌گناه ایستگاه مترو را به خاک و خون می‌کشند و اینک اماکن عبادی مسیحیان بی‌گناه را در شهرهای مختلف مصر هدف قرار داده‌اند. ما بارها گفته‌ایم که رهایی از این موج خشونت و ترور نیاز به عزم جدی همه دولت‌ها و رهبران دینی جهان در عدم حمایت و برانگیختن جویی از این گروه‌های تکفیری دارد که متأسفانه در دنیای معاصر چنین جدیتی به چشم نمی‌خورد. اینجانب ضمن همدردی با ملت بزرگ مصر از خدای متعال می‌خواهم که به بازماندگان این حوادث تلخ، صبر و شکیبایی و به مجروحان شفا عنایت فرماید.

به بهانه انتشار فیلم «بلاد فارس از دیروز تا امروز» از سوی داعش

حامد رضایی



نگاهی به پروژه تمدنی «محمد عبده»



مشکل داشتند. پروژه آنان پیشرفت بود، پیشرفت به همان معنای اروپایی‌اش. در چنین فضایی بود که تلاش برای یکسان‌سازی بعضی از وجوه فرهنگ اسلامی و محصولات تمدن غرب انجام می‌گرفت. محمد عبده نیز در این راستا به تطبیق اسلام و معارف مدرن می‌پرداخت. مثلاً می‌گفت «دموکراسی» همان «شورا» است. او به مفاهیم مدرنی چون «وطن»، «ملت» و «حکومت مدنی» دل‌بستگی پیدا کرده و سعی می‌کرد این مفاهیم را در داخل منظومه فکر دینی خود بگنجانند.

ایراد گرفتن از عبده و امثال او هر چند درست است، اما نباید نسبت به موقعیت تاریخی که او در بستر آن نظریه‌پردازی کرده غافل شد. موقعیتی که امروز مادر آن ایستاده‌ایم و به خود و غرب می‌نگریم با آنچه در زمان عبده جریان داشت بسیار متفاوت است. در واقع ما نیز پا روی شانه‌های امثال عبده گذاشته‌ایم و در مسیر خودآگاهی قدم برمی‌داریم.

راه‌هایی از انحطاط

عبده در کنار تصویری که از مدرنیته و غرب داشت، تصویری نیز از جامعه اسلامی داشت. او مسلمین را غرق در انحطاط و عقب‌ماندگی می‌دانست و به دنبال

اینکه مسلمانان از اسلام اصیل دور افتاده‌اند، حرف درستی بود ولی اینکه اسلام ما را به جایی شبیه غرب خواهد رساند، اشتباه بود. این جمله معروف - که گوینده‌اش مشخص نیست - به خوبی فضای گفت‌وگویی

تفاوت محمد عبده با ابن تیمیه در این بود که عبده به برداشت عقل‌گرایانه از نصوص دینی توصیه می‌کرد و ابن تیمیه به برداشتی ظاهر‌گرایانه دعوت می‌داد. سلفیت عبده به دلیل چاشنی عقل‌گرایانه‌اش سلفیتی معتدل و مطلوب بود ولی شاگردش رشید رضا به رویکردهای ظاهر‌گرایانه ابن تیمیه نزدیک شد. و آنچه بعداً امتداد پیدا کرد رویکردهای رشید رضا بود نه عبده. عبده و رشید رضا هر دو دعوت به اجتهاد کردند ولی اجتهاد عبده برای دخالت دادن واقعیت‌های دنیای مدرن و دانش‌های جدید در دین بود و اجتهاد رشید رضا راهی برای تقید بیشتر بر نصوص دینی.



راهی برای احیای دنیای اسلام می‌گشت. عبده مشکل را نه در خارج که در داخل جهان اسلام می‌دید. به اعتقاد او زمینه‌های داخلی جامعه اسلامی علت‌العلل استعمار و استبدادی بود که گریبان مسلمین را گرفته بود. عبده مشکل اصلی را در معرفت دینی موجود می‌دید.

غالب آن دوران را تصویر می‌کند: «در غرب، اسلام هست ولی مسلمان نیست و در شرق مسلمان هست، ولی از اسلام خبری نیست». مصلحان اولیه بیش از آن که با لایه‌های بنیادین تمدن غرب مشکل داشته باشند با لایه سیاسی آن که به استعمار انجامیده بود و احیاناً لایه اخلاقی آن

تجدد که پای به جهان اسلام گذاشت، مسلمین را دچار بحرانی کرد که برای حل آن تکیه‌های بسیاری صورت گرفت. تجدد که آمد فهمیدیم که «عقب مانده» هستیم. اراده کردیم که پیش برویم و به پسرقت‌ها خاتمه دهیم، اما نخواستیم هویت دینی‌مان را قربانی تجددی کنیم که معلوم هم نبود پیش‌رفتی برای‌مان به ارمغان بیاورد یا خیر. ما باید موضع خود را نسبت به «غرب» و «خود» مشخص می‌کردیم تا پروژه رهایی از وضعیت نامطلوب حاضر را کلید بزنیم و «استراتژی تحول» ارائه بدهیم. محمد عبده یکی از کسانی است که این کار را کرد.

محمد عبده و غرب

فهم مصلحان اولیه همچون محمد عبده از غرب فهمی ناقص بود. آنان غرب را نماد پیشرفت و تمدن می‌دانستند و از سوی دیگر اسلام را نیز مشوق پیشرفت. لذا در یک محاسبه ساده‌انگارانه به آغوش گشودن در برابر محصولات فکری، فرهنگی و تکنولوژیک غرب فتوا می‌دادند.

اساساً «پیش» کجاست و «پس» کجا؟ غرب به کدام سو در حال پیش‌روی است و اسلام به کدامین مقصد فرا می‌خواند؟ آیا ما با پیوستن به قافله تمدن غرب به سمت مقصد اسلامی «پیش» می‌رویم یا اینکه به سمت عقب حرکت می‌کنیم؟ این‌ها سوالات مهمی بود که پاسخ‌های درستی دریافت نمی‌کرد.

مصلحان اولیه به بنیان‌های تمدن غرب که هرگونه عبودیت را نفی کرده و هیچ اتوریته خارج از نفس انسان را بر نمی‌تابد، توجه نداشتند. تمدن غرب خود را به عنوان نماد علم و تکامل علمی و عقلی تعریف می‌کرد و مصلحان اولیه نیز روایت تجدد از خویش را پذیرفتند. مسأله این نبود که کعبه‌آمال آنان غرب بود یا خیر. امثال عبده قطعاً چنین کعبه‌آمالی نداشتند. مسأله این بود که مصلحان اولیه برداشت و فهم غرب از پیش‌رفت و تمدن را پذیرفته بودند و سعی می‌کردند که بگویند اسلام راه بهتری برای رسیدن به این مدل از پیش‌رفت ارائه می‌دهد! گفته می‌شد این حرف‌هایی که غربی‌ها می‌زنند را ۱۳۰۰ سال قبل اسلام گفته است! ذهنیت مصلحان اولیه این بود که ما چون از اسلام اصیل جدا شده‌ایم، عقب افتادیم و اگر به اسلام واقعی برگردیم، از غرب نیز جلوتر خواهیم رفت.



تنهامیان طالبان
Alone among the Taliban

فیلم تنهامیان طالبان بهترین مستند جشنواره آتن شناخته شد

تنهامیان طالبان اثر محسن شیخ الاسلام برنده جایزه بهترین مستند بلند جشنواره فیلم آتن شد. در سایت این جشنواره درباره علت اهدای جایزه به این فیلم مستند نوشته است «تنها در میان طالبان برای صدای جایگزینش عرضه‌های رسانه‌ای غربی را به چالش می‌کشد. فیلم تلاشی عینیت را نشان می‌دهد و ما از هدایت فضا به مثابه حضور سوپزکتیو فیلمساز آگاهیم. جایزه فیلم آتن که توسط دانشگاه اوهایو برگزار می‌شود در ۱۹۷۴ تأسیس شده و خود را معرف سینمای فیلمسازان زیرزمینی و حاشیه صنعت سینما می‌داند.

[اندیشمندان]

نگاهی بر آرا و افکار «آتاسوی مفتی اوغلو» اندیشمند ترکیه‌ای درباره انقلاب اسلامی

«مانیفست بهشت زهرا» تنها راه نجات اسلام!



حیات اسلام در جهان معاصر را منیفست بهشت زهرای می‌داند. در ادامه معرفی او از بهشت زهرا که پس از توصیف‌های او از جوانان مسلمان ایران بیان کرده است را می‌آوریم: «قلب حیات در ایران بهشت زهرا است. در عین حال بهشت زهرا قلب تاریخ نیز است. بهشت زهرا قبرستانی است که هم دنیا و هم آخرت را می‌توان با آن انشاء کرد. بهشت زهرا مزارستانی از لشکر شهدا، نسل شهدا و وطن شهدا است. بهشت زهرا معنادرترین مزارستان جهان است. در این مزارستان مردگان

مفتی اوغلو در یادداشتی که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نوشته است جنگ هشت ساله صدام علیه ایران را جنگ کفر بین الملل علیه انقلاب اسلامی که دارای توان جهانی شدن بود، معرفی کرد و در همان یادداشت خود از آغاز جنگ‌های دیپلماتیک علیه ایران در سال‌های آینده برای منفعل کردن و به گوشه کشاندن ایران خبر داد.

لحظه در آن جازندگی در فوران است. بهشت زهرا کشور شهداست. بهشت زهرا یادبودی برای ابدی ماندن فرهنگ شهادت است. آنان که توان فهم زبان بهشت زهرا را نداشته باشند از فهم زبان جنگ و زبان صلح نیز ناتوان خواهند بود. نباید انتظار داشت که کسانی که برای نبرد هستی اسلام حاضر به فدا کردن تمام وجودشان نیستند بتوانند مفاهیمی که در بهشت زهرا در حال نشوونماست را درک کنند. آنان که در بهشت زهرا خفته‌اند برای اقامه اسلام، ایمان و وحی تمام هستی خود را به زیر خاک بخشیدند. زبان بهشت زهرا را نمی‌توان با ذاتیات ایدئولوژی مدرن ترجمه کرد. مسلمانان آزاد، آنان که در پی اتحاد هستی خود با آزادی هستند باید که زبان بهشت زهرا را یاد بگیرند. مسلمانی وارسته و موحی‌وارسته تنها با زبان اسلام است که می‌تواند خود را به تمر برساند. مفتی اوغلو در تمام نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود از تحکم «زبان» جهان غرب بر اندیشه‌های مسلمانان انتقاد کرده‌است و اصلی‌ترین علت عقیم بودن فعالیت‌های فکری متفکرین جهان اسلام را عدم فهم آن‌ها از زبان اسلامی می‌داند. به فضل خدا در شماره‌های آینده به جنبه‌های فکری این اندیشمند معاصر ترکیه‌ای بیشتر خواهیم پرداخت.

نیز در حیاتند و حتی بدن‌های آنان نیز در حال ابلاغ رسالت اسلامی است. خداوند زنده بودن شهیدان را بیان کرده است و برای فهم این چگونه شهدا می‌توانند قلب تپنده حیات باشند باید به بهشت زهرا رفت. در بهشت زهرا است که می‌توان به ژرفای معنای تقدیم جان برای اسلام دست یافت. در بهشت زهرا است که می‌توان فهمید که حیاتی که در این جا در جریان است تا چه میزان حیاتی عمیق، الهی و درونی است. بهشت زهرا مکان مقدسی است که تبدیل به منصف ظهور تمام احساسات و اندیشه‌های الهی و نبض آینده است. وی ادامه می‌دهد: «کسانی که می‌خواهند با جهان مسلمانان ایرانی آشنا شوند بدون زیارت بهشت زهرا حق اظهار نظر در مورد آنان را ندارند. اگر چه افسوس که بسته مغزان همیشگی حتی به بهشت زهرانیز با همان نگاه‌های استخفاف‌آلودشان نگاه خواهند کرد. در این موضوع مطمئنم. اینان به هنگام زیارت بهشت زهرای آن که متوجه هستی‌های الهی موجود در آن مکان شوند به تابوها و عکس‌هایی که بر روی مزارها گذاشته شده‌است گیر خواهند داد. در حالی که یک مسلمان تلاش می‌کند تا روح گسترده شهادت را در آن مکان لمس کند یک مسلمان دیگر نیز در حد انتقاد از یک عکس یا قلاب بر روی مزار خود را در قفس نگه می‌دارد.»

کرد که در آن دوره تاریخی وقوع هر گونه انقلابی که وجهه و مبنای اسلامی داشته باشد از نظر او و بسیاری از دوستان و هم‌قطاران‌ش رویایی بیش نبود و آن‌ها از این که چنین رویایی در بیرون محقق شده‌است نمی‌توانستند خود را هیجان زده احساس نکنند. به نظر مفتی اوغلو انقلاب اسلامی ایران یکی از اصلی‌ترین حرکت‌های اسلامی تاریخ ۵۰۰ ساله اخیر جهان است که با هدف نمایان شدن چهره‌هایی بخش دین برای بشریت رخ داد. یکی از ثمرات انقلاب اسلامی ایران وارد کردن ضربه‌ای تاریخی به جریان روشنفکری جهان بود که تلاش داشت تا دین را از صحنه جوامع بشری پاک کند. او در یادداشتی که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نوشته است جنگ هشت ساله صدام علیه ایران را جنگ کفر بین الملل علیه انقلاب اسلامی که دارای توان جهانی شدن بود، معرفی کرد و در همان یادداشت خود از آغاز جنگ‌های دیپلماتیک علیه ایران در سال‌های آینده برای منفعل کردن و به گوشه کشاندن ایران خبر داد. او انقلاب اسلامی را رخ‌نمایی هویت اسلامی در برابر استثمار آمریکا از ملل مسلمان منطقه می‌داند که توانست ضرباتی تاریخی را به جریان کفر و نفاق در جهان وارد کرده و تاریخ حرکت امپریالیزم در جهان را دچار سکنه کند. انقلاب اسلامی گامی بزرگ در راستای تحقق اهداف جهانی اسلام بود و همین مساله باعث شد تا جبهه‌های جهانی از کفر در برابر این انقلاب ایجاد شود. جنگ ایران و عراق به هیچ وجه یک برادر کشی و جنگ بین دو کشور مسلمان نبود بلکه جنگ جبهه کفر جهانی علیه جبهه انقلاب اسلامی با هدف فلج کردن این انقلاب بود. مفتی اوغلو بر همین مبنا شهادت ایرانی که در جنگ با رژیم بعثی عراق به شهادت رسیدند را نه افرادی ایرانی که برای وطن خود جان داده‌اند بلکه جوانانی مسلمان که در راستای جنگ با تحکم امپریالیزم بر ملل اسلامی سینه سپر کرده و تمام هستی خود را فدای اسلام و امت اسلامی کرده‌اند، معرفی می‌کند. او با بیان این که پس از دوره حضور رسول اکرم (ص) در مکه و فشارها و تحریم‌های کفار علیه آن بزرگوار هیچگاه تاریخ اسلام میزان فشار و تحریمی که علیه انقلاب اسلامی می‌شود را به خود ندیده‌است جوانان ایرانی که در جنگ ایران و عراق کشته می‌شوند را جوانانی که برای دفاع از حیثیت اسلام کشته می‌شوند معرفی می‌کند. این جوانان در دوره مدرن بار دیگر روح اسلام را با فرهنگ شهادت احیا کرده‌اند و تمامیت وجود جهان مدرن را به پرسش کشیده‌اند. مفتی اوغلو با ایجاد عبارت «مانیفست بهشت زهرا»، تنها راه

«آتاسوی مفتی اوغلو» از نویسندگان و متفکران شناخته‌شده اسلامی در ترکیه است. وی که اکنون در سن ۷۵ سالگی به سر می‌برد مشهور به عدم وابستگی به هیچ کدام از جناح‌های سیاسی و جماعت‌های اسلامی است. نکته قابل توجه در مورد مفتی اوغلو این است که خود او از تشکیل هر گونه انجمن و جماعتی خودداری کرده و رسالت خود را تنها بیان حقایق و سخنرانی و نوشتن در راستای ابلاغ پیام اسلام به نسل جوان می‌داند. در دوران آخرالزمان که یکی از ویژگی‌های آن تلاش افراد و جماعت‌ها برای دعوت دیگران به خوداست وجود متفکر و نویسندگانی که بیان حقایق و ابلاغ رسالت تاریخی‌اش را مهم می‌داند مسأله‌ای است که نباید از کنار آن به راحتی گذشت. آتاسوی مفتی اوغلو در خانواده‌ای که پدرش به صورت مخفیانه برای نوجوانان روستا معلمی قرآن می‌کرد تانسل آینده‌ا قرآن به دور نیفتد در دوران اوج حققان لایسته در ترکیه به دنیا آمد. او بعداً بارها شاهد دستگیری و زندانی شدن پدرش بود و همین مسائل او را بر آن داشت تا نسبت به غیرت دینی خود حساس تر شود. وی فعالیت رسانه‌ای خود را از ۱۸ سالگی با حضور در نشریات اسلام‌گرای مطرح آن دوره ترکیه مانند سبیل الرشاد، بویوک دوغو (شرق بزرگ)، دیریلش (احیا) و ملت آغاز کرد و در زمان جوانی تحت تأثیر شاعران و نویسندگان مطرح اسلام‌گرای آن دوره مانند محمد عاکفارسوی، نجیب‌فاضل و سزایی کاراکوچ قرار گرفت. مفتی اوغلو بر خلاف برخی از نویسندگان اسلام‌گرای ترکیه در تمام دوران فعالیت فکری خود از نزدیک شدن به تفکرات ملی‌گرایانه خودداری کرد، چرا که این نوع تفکر را نافی اندیشه و مفهوم «امت اسلامی» می‌دانست. از همین دوره است که او یکی از رسالت‌های خود را مقابله با هر تفکر، مکتب و ایده‌ای که ابنا امت اسلامی را دچار تحدید و یا تفریق کند، کرده است و در نگاه او هیچ فرقی میان یک جوان ترک با یک جوان عرب یا مالایی وجود ندارد. در حالی که آتاسوی مفتی اوغلو در آستانه چهل سالگی خود و



دوران باروری اندیشه‌های خود بود با حادثه‌ای تاریخی مواجه می‌شود که تمام فعالیت‌ها و اندیشه‌های او را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ وقوع انقلاب اسلامی در ایران. تلاش‌های انقلابی ملت ایران، رهبری کاربزماتیک انقلاب ایران که شخصیتی اسلامی به معنای تام کلمه بود و نتیجه انقلاب ایران که سیستم مردم‌سالاری دینی را بر پی داشت مسائلی بود که تمام اندیشه‌ها و فعالیت‌های مفتی اوغلو را تحت تأثیر خود قرار داد. او چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران سفر می‌کند و تلاش می‌کند تا فضای انقلابی ملت ایران را از نزدیک لمس کند. او بعدها ادعان



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

قلب زمین

نظامیان صهیونیست ۲ عضو اردو شد حماس را بازداشت کردند

رژیم صهیونیستی دو تن از رهبران محلی حماس را در کرانه باختری بازداشت کردند. «فایز احمد ورده» (۶۰ ساله) و «احمد عطلون» نماینده تبعید شده از قدس، امروز در شهر «البیره» در کرانه باختری دستگیر شدند. نظامیان رژیم صهیونیستی به منزل احمد ورده در «حی الجنان» کرانه باختری یورش بردند، اقدام به تفتیش آن کردند و وی را به مکانی نامعلوم منتقل کردند؛ ورده چندین بار در زندان‌های رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان زندانی شده است، بیماری قلبی دارد و چندین عمل جراحی انجام داده است. احمد عطلون نیز پس از بازداشت، به مکانی نامعلوم منتقل شده است.



تکرار ادعای نخ‌نمای استفاده از «تسلیمات شیمیایی» غرب از اوضاع عراق درس می‌گیرد؟

رامین حسین آبادیان



بامداد جمعه ۱۸ فروردین بود که ارتش ایالات متحده آمریکا با ۵۹ موشک «تام هاوک» فرودگاه نظامی «الشعیرات» سوریه را مورد تجاوز نظامی قرار داد. آمریکایی‌ها مدعی شدند که جنگنده‌های ارتش سوریه با به پرواز درآمدن از فرودگاه نظامی الشعیرات به «خان شیخون» حمله کرده‌اند و این حمله موشکی در تلاقی این حمله شیمیایی انجام شده است؛ ادعایی که البته برای نخستین بار نیست که آمریکایی‌ها و هم‌پیمانانشان از آن به عنوان دستاویزی برای ضربه وارد کردن به نیروهای مقاومت سوریه، استفاده می‌کنند.

در طول ۶ ساله که از آغاز بحران سوریه می‌گذرد، محور غربی-عربی به سرکردگی ایالات متحده آمریکا همواره طی چند نوبت در اقدامی هماهنگ و با هدف فراهم آوردن زمینه جهت پیاده‌سازی سناریوهای از پیش برنامه‌ریزی شده علیه دولت دمشق، ارتش سوریه را به استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه غیرنظامیان سوریه متهم کرده‌اند؛ حال آنکه در هیچ یک از موارد، مدارک و مستندات که دال بر صحت ادعای آمریکا و متحدانش باشد، ارائه نشده است.

در ۱۹ مارس ۲۰۱۳ دولت دمشق برای نخستین بار توسط معارضان سوریه به استفاده از تسلیحات شیمیایی در روستای «خان الأسد» واقع در شمال سوریه متهم شد. با وجود اینکه معارضان هیچ‌گاه نتوانستند ادعای خود مبنی بر استفاده دمشق از تسلیحات کشتار جمعی را اثبات کنند، اما سازمان ملل متحد از بازخواست آنها به دلیل نسبت دادن این اتهام

پرده متهم ساختن دمشق به استفاده از تسلیحات شیمیایی، پرده برداشت.

پس از افزایش شدت اتهامات وارده به دولت سوریه، دمشق در اقدامی هوشمندانه و برای جلوگیری از تکرار اتهام‌زنی‌ها علیه آن و همچنین ملغی شدن گزینه نظامی آمریکا، در روز ۱۴ اکتبر ۲۰۱۳ معاهده خلع سلاح شیمیایی را با سازمان منع گسترش تسلیحات شیمیایی به امضا رساند. طبق اعلام رسمی نهادهای

پرواضح است که طرح ادعای استفاده دمشق از تسلیحات

شیمیایی علیه غیرنظامیان در شرایطی که سازمان‌های

بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و سازمان منع گسترش

تسلیمات شیمیایی بر تخلیه زرادخانه شیمیایی دولت سوریه ماهر

تأیید زدند، تنها با اغراض سیاسی صورت گرفته و این ادعا چیزی جز

قطعه‌ای از یک پازل برای پیاده‌سازی سناریوی شوم تجاوز نظامی به

سوریه نبوده است

به استفاده از تسلیحات شیمیایی در برخی از مناطق واقع در حومه استان ادلب مبادرت ورزیدند. در آخرین مورد نیز آنها در ۴ آوریل ۲۰۱۷ غیرنظامیان سوریه در شهرک «خان شیخون» ادلب را هدف حمله شیمیایی قرار دادند.

بر همین اساس، پرواضح است که طرح ادعای استفاده دمشق از تسلیحات شیمیایی علیه غیرنظامیان در شرایطی که سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و سازمان منع گسترش تسلیحات شیمیایی بر تخلیه زرادخانه شیمیایی دولت سوریه ماهر تأیید زدند، تنها با اغراض سیاسی صورت گرفته و این ادعا چیزی جز قطعه‌ای از یک پازل برای پیاده‌سازی سناریوی شوم تجاوز نظامی به سوریه نبوده است. نکته دیگر این است که حتی در صورت وجود تسلیحات شیمیایی در نزد دمشق، دولت سوریه به دلیل برتری کاملاً محسوس بر تروریست‌های تکفیری در عرصه میدانی و همچنین برتری بر معارضان تحت‌الحمايه محور غربی-عربی در عرصه سیاسی و دیپلماتیک، اساساً نیازی به استفاده از این تسلیحات در شرایط کنونی نداشته است.

می‌توان تجاوز نظامی ایالات متحده آمریکا به سوریه را از دو بُعد داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داد. واقعیت این است که دونالد ترامپ در طول مدت کوتاهی که زمام امور در آمریکا را به دست گرفته با شکست‌های سنگینی در عرصه داخلی مواجه شده، به گونه‌ای که طبق نظرسنجی‌های معتبر محبوبیت وی به صورت قابل‌توجهی کاهش پیدا کرده است. از جمله ناکامی‌های داخلی ترامپ را می‌توان در لغو فرمان محدودیت مهاجرتی وی توسط دستگاه قضایی آمریکا و همچنین ملغی شدن بررسی طرح لغو بیمه موسوم به «اوپاما کر» در کنگره آمریکا جستجو کرد. از همین روی ترامپ تلاش کرد تا از طریق حمله نظامی به سوریه ضمن منحرف کردن افکار عمومی از ناکامی‌های داخلی‌اش، به زعم خود دستاوردی را در

عرصه سیاست خارجی برای دولتش رقم بزند. در بُعد خارجی نیز عملیات نظامی آمریکا در سوریه را می‌توان نوعی «تنفس مصنوعی» به تروریست‌های تکفیری قلمداد کرد که صفوف آنها در بسیاری از مناطق استراتژیک سوریه درهم شکسته است. واشنگتن تلاش کرد تا از طریق این تجاوز نظامی، ضمن به حاشیه راندن توفیقات و دستاوردهای نیروهای مقاومت در جبهه‌های مختلف نبرد با تروریسم در سوریه، به تکفیری‌ها جان تازه‌ای بخشد و روحیه از هم‌پاشیده آنها را تاحدودی تقویت سازد. البته در این میان نباید از کنار فشارهای پشت پرده شیخ‌نشینان عرب از جمله مقامات رژیم سعودی و همچنین دولتمردان ترکیه به دولت ترامپ برای انجام عملیات نظامی در سوریه، به راحتی عبور کرد.

در هر صورت آمریکایی‌ها تلاش کردند تا با تجاوز نظامی به سوریه موازنه قدرت را به نفع تکفیری‌ها تغییر داده و با دستیابی به یک یا چند برگ برنده، به فریاد دستان‌پُر از خالی معارضان در هر گونه مذاکرات سیاسی آینده بر سند؛ هدفی که به هیچ وجه محقق نشد و معادلات نظامی در سوریه همچنان به نفع محور مقاومت در جریان است. در همین ارتباط، «توفیق شومان» نویسنده و تحلیلگر لبنانی می‌گوید: «تجاوز نظامی آمریکا به سوریه هیچیک از معادلات نظامی در عرصه میدانی این کشور را دستخوش تغییر نکرد». وی همچنین می‌افزاید: «آمریکایی‌ها حتی اگر در آینده نیز دست به چنین تجاوز نظامی علیه سوریه بزنند، بدون شک اقدام آنها هیچ تأثیری در موازنه قدرت در این کشور نخواهد داشت، چرا که با پاسخ سخت و قاطعانه متحدان اصلی دمشق یعنی ایران و روسیه مواجه می‌شوند». این تحلیلگر لبنانی در ادامه تصریح می‌کند: «دولت ترامپ پس از تجاوز به سوریه پیام هم‌پیمانان دمشق را دریافت کرده است و به خوبی می‌داند که آنها برای پاسخگویی به هر گونه تجاوز نظامی احتمالی به سوریه آماده هستند».

بی‌پایه و اساس به دمشق امتناع کرد.

تکفیری‌ها و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آنها پس از ناکامی در تحریک افکار عمومی علیه دولت دمشق در ماه مارس، در تاریخ ۲۱ اگوست ۲۰۱۳ بزرگترین حمله شیمیایی علیه غیرنظامیان را در «غوطه شرقی» دمشق رقم زده و بلافاصله انگشت اتهام را به سمت دولت سوریه نشانه رفتند تا بدین سان جامعه جهانی را علیه آن بسیج کنند. حمله شیمیایی به غوطه شرقی دمشق حدود ۳۰۰ کشته و صدها زخمی از میان غیرنظامیان بر جای گذاشت. ۱۰ روز بعد یعنی در روز ۱۳۱ اگوست، «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری سابق آمریکا از تصمیم این کشور برای حمله نظامی به سوریه خبر داد؛ تصمیمی که اعلام آن، خیلی زود از خواب شوم واشنگتن برای دولت سوریه در پس



دولت باکو سفیر ایران را بدلیل بازسازی مساجد احضار کرد!

حکمت حاجی اف سخنگوی وزارت خارجه جمهوری آذربایجان گفت: «در ارتباط با روندی که تحت پوشش مرمت مسجد شوشا جریان دارد، جواد جهانبگیر زاده، سفیر ایران در جمهوری آذربایجان به وزارت خارجه احضار شده و بر ضرورت پایان دادن به فعالیت شرکت ایرانی «پارت سامان جهان» در این گزارش تأکید شده است.» گفتنی است در حالی که جمهوری آذربایجان در حال تخریب مساجد متعدد شیعیان در خاک خود است، بخش خصوصی ایران به تعمیر و بازسازی مساجد قرا باغ و شوشا که در کنترل شبه نظامیان ارمنی قرار دارند کمک کرده و از تخریب آنها جلوگیری به عمل آورده است اما رژیم باکو حتی این مساله را نیز تاب نیاورده و در اقدامی مضحک به اقدامات مثبت ایران اعتراض کرده است.

[امت واحد]

مرتضی رکن آبادی

آل سعود و رژیم صهیونیستی بزرگترین مانع بر سر راه حج عزتمندان و ظلم ستیزانه



مذاکرات بین مسئولان حج جمهوری اسلامی ایران و شجره خبیثه ملعونه سعودی در حالی ادوار مختلف خود را طی کرده است که هر از گاهی اخباری مبهم از سوی مسئولان حج کشورمان از نتایج گفت و گوها منتشر شد و دقیقاً در آخرین روز کاری اسفند سال ۱۳۹۵ اخبار نهایی این ملاقات ها با تاخیری دو هفته ای اعلام شد. اگر چه حج ابراهیمی، فریضه بزرگ الهی و یکی از مهم ترین شعائر اسلامی است، اما حج عزتمندان، مبتنی بر حفظ امنیت، شخصیت، کرامت و حقوق انسانی موضوعی است که در کنار بحث استطاعت زائر برای تشریف به حج باید مورد توجه جدی قرار گیرد. این حقوق اولیه مسائلی هستند که در طول چند سال اخیر حداقل برای زائران ایرانی مقوله ای نا آشنا بوده اند و حتماً زائران محجوب ایرانی نمونه های بسیاری از رفتارهای ناپهناجار سعودی ها را چه در داخل و چه بیرون از حرم های مشرفه بخاطر دارند.

مواضع اصولی، قاطعانه و حکیمانه رهبر معظم انقلاب نیز همواره بر برگزاری حجی عزتمندان، با حفظ عزت و کرامت انسانی تأکید دارد. پیام های معظم له به کنگره جهانی حج در طول سالیان مختلف، همواره در کنار پرداختن به موضوعات اساسی جهان اسلام، تأکید مؤکدی بر حفظ عزت و کرامت انسانی بوده است و افسوس که حداقل در سال های اخیر در داخل کشور شاهد بوده ایم که حکمت بیانات و فرمایشات معظم له توسط برخی مسئولان در مذاکرات مختلف، بموقع درک نشده و متأسفانه خسارت آن نیز شامل حال تمامی مردم کشورمان شده است.

در پی جنایتی که در حادثه منابست آل سعود خبیث در دوم مهر ماه سال ۹۴ رقم خورده به جرأت می توان گفت که مقام معظم رهبری تنها شخصیت کشورمان بودند که موضعی علنی، عملی، شجاعانه و بجادر مقابل جنایتکاران سعودی گرفتند و با آنان بی پرده و از موضع

اگر چه در نقش بیدار کننده و آگاهی بخش زائران ایرانی در کنگره بزرگ حج هیچ تردیدی وجود ندارد و از این رو دست های پلید بسیاری در کار هستند تا مانع حضور حجاج ایرانی در بزرگترین کنگره انسانی دنیا شوند، اما چنانچه عزت، کرامت، شخصیت، امنیت و سایر حقوق زائران ایرانی در برابر انتظار سایر مسلمانان حاضر در حج پایمال شود آیا باز هم همان نتیجه را از حج خواهیم گرفت

بخصوص جامعه جوان و تحصیلکرده از انجام فریضه حج خواهد شد و این مقوله ای بسیار مهم است که همواره باید مورد توجه مسئولان حج باشد. فراموش نکنیم که تجمع همه ساله میلیون ها مسلمان با لباس متحدالشکل، در یک زمان و مکان نشانه ای است از این که اسلام خواستار برگزاری حجی است که عزت و توان مسلمانان را به رخ جهان بکشد و بدون شک امروز آل سعود خبیث هم جهت با رژیم غاصب صهیونیستی بزرگترین مانع بر سر راه تحقق چنین حج عزتمندان و ظلم ستیزانه و باز یابی عزت و مجد واقعی جهان اسلام هستند.

نکته ای که در این جا قابل ذکر است این است که تا چندی پیش، سعودی های قسی القلب را در اداره امور حج ناتوان، بی لیاقت، بی کفایت و ... می خواندیم و امروز

عزت و اقتدار سخن گفتند. این موضع گیری عزتمندان چنان ضربه ای به بنیادهای حکومتی شجره خبیثه ملعونه سعودی زد که آنان را ناچار به تمکین و اطاعت ساخت. اما در بعد داخلی مع الاسف شاهد اظهار عجز برخی مسئولان در برابر فرمایش مقام معظم رهبری در خصوص تشکیل کمیته حقیقت یاب و پیگیری جنایت منا بودیم. مقام معظم رهبری در بیانات خود فرمودند: «دنیا گریبان این ها (سعودی ها) را بگیرد و رها نکند».

مطالبات روشن و صریح مقام معظم رهبری در خصوص جنایتی که در منابست آل سعود خبیث رقم خورده عبارتند از: ۱. پذیرش مسؤولیت فاجعه منا از سوی سعودی ها ۲. عذر خواهی سعودی ها از مسلمانان جهان ۳. تشکیل کمیته حقیقت یاب ۴. احقاق حقوق

از اعزام زائران به حج سخن می گوئیم؛ آیا تغییر خاصی در مدیریت و کفایت آنان روی داده که یکباره توانایی اداره حج را پیدا کرده اند و دوباره مایه خواهیم سرنوشت عزیزانمان را بدست این جماعت خبیث بسپاریم؟ هنوز وجدان جهان اسلام آرام نگرفته است و مانیز هنوز فراموش نکرده ایم و هیچگاه فراموش نخواهیم کرد که ۴۶۵ زائر ایرانی در منا و ۱۲ زائر در مسجد الحرام را همین سعودی های لعین، مظلومانه با وضعیتی دلخراش به شهادت رساندند، اگر واقعا به دنبال عزت و کرامت و امنیت و حقوق زائر هستیم در مذاکرات حج اولین مسأله ای که باید در دستور کار قرار می گرفت و نتیجه آن پیش از هر چیز دیگر اعلام می شد موضوع احقاق حقوق «شهادی مظلوم منا و مسجد الحرام» است که بارها رهبر فرزانه انقلاب اسلامی بر پیگیری آن دستور صریح فرموده اند.

اگر چه در نقش بیدار کننده و آگاهی بخش زائران ایرانی در کنگره بزرگ حج هیچ تردیدی وجود ندارد و از این رو دست های پلید بسیاری در کار هستند تا مانع حضور حجاج ایرانی در بزرگترین کنگره انسانی دنیا شوند، اما چنانچه عزت، کرامت، شخصیت، امنیت و سایر حقوق زائران ایرانی در برابر انتظار سایر مسلمانان حاضر در حج پایمال شود آیا باز هم همان نتیجه را از حج خواهیم گرفت؟! آیا افکار عمومی از ما نخواهند - پر سید که در برابر ظلم آشکار به شهروندان کشورمان در حادثه منا چه کردیم؟! آیا زائر ایرانی چهره ای مطیع و ناتوان نخواهیم ساخت؟ و آیا این امر در درازمدت و حتی کوتاه مدت تهدیدی جدی برای عزت ایرانی و همان چیزی که با اسم «ارتقای عزت پاسپورت ایرانی» به دنبال آن در سطح جهان بودیم، نخواهد بود؟! آیا واقعا حجی که بسوی آن گام بر می داریم همان حج عظیم ابراهیمی و محمدی است و با روح آن همخوانی دارد؟ و مردم فهیم کشورمان به خصوص طبقه روشنفکر و تحصیلکرده و جوان امروز با صدها و صدها سوال در این باره مواجه هستند که هیچ پاسخی برای نمی یابند.

و اما در پایان چند سوال:

۱. آیا احکام سعودی واقعا در صورت حرمت دین و نوجوان ایرانی در جده رسماً عذر خواهی کرده و خطایان این ماجرا

را آن طور که شایسته بوده است مجازات کرده اند؟ ۲. آیا سردمداران سعودی از سوء تدبیر و همچنین ضعف مدیریت خود که باعث شهادت چندین هزار نفر از زائران مسلمان و حدود پانصد زائر ایرانی در حادثه منا شد عذر خواهی کرده، علل آن را بررسی و عاملان آنرا مجازات کرده اند؟

۳. اعزام ۸۵ هزار زائر ایرانی به عربستان در حالی که روابط سیاسی دو کشور قطع است و هیچ تضمینی برای عدم تکرار اینگونه فجایعی وجود ندارد با عقل و شرع همخوانی دارد؟ آیا امنیت راه از شرایط و جوب حج نیست؟

۴. آیا مسئولان محترم سیاست خارجی و حج و زیارت می توانند نسبت به عدم تکرار این فجایع اطمینان دهند؟ در حالی که در یکسال گذشته روابط دو کشور بسیار وخیم تر شده و عربستان از هیچ فرصتی برای دشمنی و ضربه زدن و اهانت به جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی و مسلمانان چشم پوشی نکرده است و اخیراً نیز بطور علنی از برقراری روابط با رژیم غاصب صهیونیستی سخن می گوید، آیا برای مسوولان سیاست خارجی و حج و زیارت جان و آبروی مردم عزیز کشورمان ارزشی دارد؟

۵. آیا مسوولان حج و زیارت کشورمان محتمل بودن تعدد فاجعه منا که در پیام مقام معظم رهبری به مناسبت سالگرد حادثه منعکس شده بود را مدنظر خود قرار داده اند؟

۶. ...

امید است تصمیم گیرندگان در خصوص مسأله مهم، پیچیده و چند بعدی حج نهایت دقت را بنمایند و از تصمیم گیری های عجولانه و سطحی و مبتنی بر منافع زودگذر جلوگیری نمایند و تصمیمی مطلق یا مصالحه عالی به نظام مقدس جمهوری اسلامی و در شأن آن اتخاذ نمایند و فراموش نکنند ماکشوری هستیم که با تمام قوا در اقصی نقاط دنیا به یاری مظلومان شتافته ایم و در حوادث اخیر منطقه در سوریه، عراق و ... پیشانی کشور های زیاده خواه که عربستان سعودی هم از جمله آنان است، را به خاک مالیده ایم و اکنون دنیا ما به بزرگی و عزت یاد می کند. پاسدار عزت و اقتدار ایران اسلامی باشیم.



❖ زخمی شدن دو شهرک نشین در پی عملیات شهادت طلبانه جوان فلسطینی
جمعه شب گذشته در جریان یک عملیات شهادت طلبانه یک فلسطینی در باب الجدید قدس چند صهیونیست زخمی شدند. مجری این عملیات از سوی نظامیان صهیونیست هدف تیراندازی قرار گرفت و بازداشت شد. نظامیان صهیونیست در پی این عملیات شهادت طلبانه تدابیر شدید امنیتی در قدس برقرار کرده و دو دروازه مسجدالاقصی را مسدود کردند. ساعتی پس از این حادثه منابع صهیونیستی اعلام کردند در جریان این عملیات علاوه بر زخمی شدن دو شهرک نشین، یک گردشگر انگلیسی نیز کشته شده است.

❖ علی اصغر بروجرودی



«رژیم صهیونیستی» پاشنه آشیل تمدن غرب



می شود که اندک اندک، فضای جهانی نیز به سمت مقابله با اقدامات خصمانه و غیر قانونی و غیر انسانی رژیم صهیونیستی میل می کند. نمونه بارز این مساله را می توان در قطعنامه چندی قبل شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت شهرک سازی اسرائیل با رای ممتنع آمریکا دید.

شعارهای لیبرالیستی همانند آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و ... که شالوده سیاسی تمدن غرب را تشکیل می دهد و پس از انقلاب فرانسه در ترمینولوژی ادبیات سیاسی جهان تثبیت شد در تضاد با اندیشه و عمل صهیونیست هاست و اصولا اندیشه های افراطی صهیونیستی که در تلمود مکتوب شده است نمی تواند با چنین شعارهایی در نظر و عمل جمع شود. در سفر تثنیه از صحاح هفدهم می خوانیم: «خدای تو، تو را به سرزمینی وارد ساخت تا آن را تملک کنی و ملل بسیاری

تمدن غرب طی ۵۰۰ سال گذشته و پس از رنسانس توانسته چهره ای روپین تن از خود به نمایش بگذارد و علی رغم وقوع بحران های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همچنان به حیات خود ادامه دهد. گویی مادر این تمدن او را در رود استوکس شست و شو داده است اما آیا مجددا فراموش کرده پاشنه پای او را در آب فروبرد؟ این سوال موضوع بحث نوشتار پیش روست. هر چه جلوتر می رویم اشتباه و پرهزینه بودن تشکیل رژیم معجولی به نام اسرائیل برای سیاستمداران غربی بیشتر معلوم می گردد اما به علت وجود لابی های پر قدرت صهیونیستی در دنیای سیاست مدرن اظهار این مطلب بسیار پرهزینه خواهد بود و شاید به قیمت حذف شخص از دنیای سیاست تمام شود اما این را می توان در عمل سیاستمداران غربی مشاهده کرد. موضوعی که رهبر معظم انقلاب هم اینگونه به آن

شعارهای لیبرالیستی همانند آزادی، حقوق بشر، دموکراسی

و ... که شالوده سیاسی تمدن غرب را تشکیل می دهد و پس از

انقلاب فرانسه در ترمینولوژی ادبیات سیاسی جهان تثبیت شد در

تضاد با اندیشه و عمل صهیونیست هاست و اصولا اندیشه های افراطی

صهیونیستی که در تلمود مکتوب شده است نمی تواند با چنین شعارهایی

در نظر و عمل جمع شود

اشاره می کنند: «با پدیدار شدن نشانه های افول رژیم صهیونیستی و وضعی که بر متحدان اصلی آن بویژه ایالات متحده ای آمریکا حاکم شده است، مشاهده

اسرائیل یکی را انتخاب کند. اما مسؤولین غربی گاهی اوقات کشورهای دیگر را تهدید به حمله نظامی کرده و گاهی فراتر از این رفته و دیگران را تهدید به حمله با سلاح هسته ای می کنند. در اینجا نیز نقطه ضعف بودن اسرائیل برای تمدن غرب بیشتر مشخص می گردد. کافی است برای دفع این حمله رژیم اسرائیل را مورد تهدید قرار داد. در این هنگام تهدیدها مرتفع می گردد. در واقع بانیان تمدن غرب و گردانندگان اصلی اقتصاد، فرهنگ و سیاست جهان غرب که همواره در پشت صحنه حضور دارند اسرائیل را بنیانگذاری کردند و حفظ و ادامه حیات آن را بر هر مسأله ای ترجیح می دهند و حاضرند هر هزینه ای ولو هزینه های گزاف را برای بقای این رژیم بپردازند. در واقع باید گفت اسرائیل پاشنه آشیل تمدن غرب است؛ چه از نظر تئوریک و چه در عمل.

❖ محمد جواد مهدی زاده



حمله به پایگاه «عرمتی»؛ آغازی بر پایان اشغال لبنان



پایگاه متعلق به مزدوران آنتوان لحد، معروف به «لحدی ها»، در منطقه «عرمتی» در میانه مسیر شهرهای «جزین» و «نبطیه» بود که به دلیل قرارگیری بر ارتفاعات این منطقه، اشراف دقیقی روی جاده و همینطور روستاها و شهرک های حدفاصل دو شهر داشت

سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) علیه پایگاه های ارتش رژیم صهیونیستی به اجرا درآمد. در تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۰ (جمعه ۹ اردیبهشت ۱۳۷۹) و کمتر از یک مانده به آزادسازی جنوب لبنان، صورت گرفت. در این زمان این پایگاه هدف حمله مشترک نیروهای مقاومت اسلامی لبنان و سازمان موسوم به «گروهان های لبنانی ضد

میانه مسیر شهرهای «جزین» و «نبطیه» بود که به دلیل قرارگیری بر ارتفاعات این منطقه، اشراف دقیقی روی جاده و همینطور روستاها و شهرک های حدفاصل دو شهر داشت.

مهم ترین حمله به این پایگاه طی سلسله عملیات های منتهی به آزادسازی جنوب لبنان، که از ماه های آخر

اگرچه تا رسیدن به سالگرد آزادسازی جنوب لبنان قریب ۴۰ روز مانده است، اما هم اکنون در شرف رسیدن به سالگرد یکی از وقایع مهم منتهی به آزادسازی جنوب لبنان هستیم.

ارتش اسرائیل، که همانند روابط صدام و منافقین در زمان جنگ با ملت ایران، از کمک گروهی خود فروخته لبنانی تحت فرماندهی «آنتوان لحد» ژنرال شورشی جدا شده از ارتش لبنان بهره می برد، پایگاه هایی مستحکم در منطقه اشغالی جنوب و بقاع غربی، که نام آن در ادبیات دشمن «کمر بند امنیتی» و در ادبیات مقاومت اسلامی لبنان «نوار اشغالی مرزی» بود، احداث کرده بود که وظیفه نظارت بر منطقه اشغالی، جلوگیری از هر نوع عملیات حزب الله در مناطق اشغالی و حفاظت از شهرک های شمالی فلسطین اشغالی را در برابر هر نوع تهدید از سوی مقاومت اسلامی لبنان بر عهده داشتند. اگرچه تمامی این پایگاه ها از اهمیت بالایی برای دشمن بر خوردار بودند اما تعداد بالای عملیات های مقاومت اسلامی علیه پایگاه استراتژیک «شُجَد» در بخش اشغالی منطقه «اقلیم التفاح» در حومه نبطیه نشان می دهد که تا چه میزان اهمیت این مرکز مهم دشمن، که در جوار مزار پیامبری به همین نام قرار گرفته بود، برای حزب الله بالاست. با این حال پایگاه های دیگری نیز بودند که از اهمیت ویژه ای برای دشمن برخوردار بودند. یکی از این پایگاه ها، پایگاه متعلق به مزدوران آنتوان لحد، معروف به «لحدی ها»، در منطقه «عرمتی» در

اشغالگری اسرائیل، که به «سرایای لبنانی» نیز شهرت داشته و به فرمان سید حسن نصرالله پس از شهادت پسرش سید هادی تشکیل شد، قرار گرفت. این عملیات موفقیت آمیز، که پایان آن همراه با بمبگذاری و انفجار پایگاه توسط رزمندگان حزب الله و سرایای لبنانی بود، توسط فیلمبرداران واحد تبلیغات جنگی مقاومت اسلامی لبنان فیلمبرداری و به فاصله اندکی از طریق شبکه المنار پخش شد.

عملیات حمله به پایگاه عرمتی که باعث انهدام کامل این پایگاه شد، موجی جدید از هراس در بین نیروهای اسرائیلی و لحدی ایجاد کرد. به گونه ای که بخش عمده ای از تسلط دشمن بر نواحی اشغالی در اقلیم التفاح از بین رفت. به همین دلیل می توان انهدام پایگاه عرمتی، که به فاصله چند ماه پس از انهدام پایگاه سجد به اجرا درآمد، را دومین ضربه مهم به نیروهای دشمن صهیونیستی - لحدی در ارتفاعات اقلیم التفاح در ماه های آخر اشغال جنوب و بقاع غربی لبنان به حساب آورد.

حزب الله لبنان هم اکنون و پس از گذشت قریب به ۱۷ سال با رتقا و پیشرفت تاکتیک های جنگی که در حمله به پایگاه هایی نظیر عرمتی به کار می برد، توانسته است تاکتیک هایی از جنگ های نوین را در برابر جبهه غربی - عربی - عبری بنیانگذاری کند که نمونه آن را در عملیات های آزادسازی شهرها و مناطق راهبردی سوریه مانند القصیر و حلب شاهد بودیم.



ضمیمه هفتگی روزنامه قدس
ویژه جهان اسلام
مدیر مسئول و سردبیر: ایمان شمسایی
دبیر ویژه نامه: محمد مهدی رحیمی

دبیر تحریریه: روح الله فرقانی فدافین
تیم هنری: علی باقری، سید محمد حسینی
طراحی نامواره: سید میثم عرب عامری
www.qudsonline.ir

توزیتونی

رضا جعفری

می دانند همه
سیب های لبنانی
سرخ می شوند با زردی
به زردی کرم های اسرائیلی
حالا کرم ها هم فهمیده اند
که سیب سرخ
دندان شکن است برایشان
سوگند به اعتدال زیتون
و خاکی که مادر اوست
این فلات
مقبره های حاصلخیز است
برای کرم های زمین خوار
برگ های را سبیلان ابابیل ها کن
ابابیل هایی
که از جنگ با برهه
باز می گردند
و میوه های را
دور تو نگه دار
از شکم های حرامزاده
توزیتونی

خیلی دور خیلی نزدیک



همزمان با برگزاری مسابقات بین المللی اتومبیلرانی فرمول ۱ در بحرین مردم با حمل پوسترها، سر دادن شعار، دیوار نوشته ها و برافروختن آتش و بلند کردن دود در آسمان مناطق همجوار با پیست برگزاری این مسابقات آن را فرمول خون نام نهادند و تلاش آل خلیفه برای کسب وجهه بین المللی را محکوم کردند

اخبار تازه مسلمانان را در «ره یافته» دنبال کنید



همه ما کم و بیش از اخبار رشد قابل توجه اسلام در میان پیروان سایر ادیان آگاه هستیم و همچنین در گوشه و کنار خودمان ممکن است خبر اسلام آوردن کسی را شنیده باشیم. این مسأله از آن دست اتفاقات دلچسب و شیرین است که نه تنها هیچگاه از خاطر مخاطبان پاک نمی شود بلکه مدام در پی جستجوی مطالب بیشتری از این جنس هستند.

کانال تلگرامی «ره یافتگان» - (تازه مسلمانان) وابسته به انجمن ادوار دو» یا به اختصار کانال «ره یافته» محملی است برای پیگیری کردن اخبار تازه مسلمانان و رشد اسلام گرایی در بلاد مختلف.

اگر چه این کانال معرفی تازه مسلمانان و ره یافتگان و حواشی مربوط به آن را وجه همت خود قرار داده است اما مطلب مذهبی دیگر هم در کانال یافت می شود. از جمله احادیث ناب، خاطرات علما و بزرگان و ...

گردد. این سایت وابسته به بخش ره یافتگان نمایشگاه قرآن تهران و به همت انجمن شهید ادوار دو آنیلی (مهدی) راه اندازی شده است و آنگونه که در معرفی اش آمده این سایت در صدد است تا ره یافتگان به درگاه خداوند و اسلام ناب محمدی را معرفی و زندگی و سرگذشت آنها را به اطلاع عموم برساند باشد تا خداوند ما را نیز از ره یافتگان قرار دهد.

برای دسترسی به کانال ره یافته باید از لینک
https://t.me/rahyafte_com استفاده نمود.

«لبنان زدگی» سفرنامه ای کوتاه و جذاب



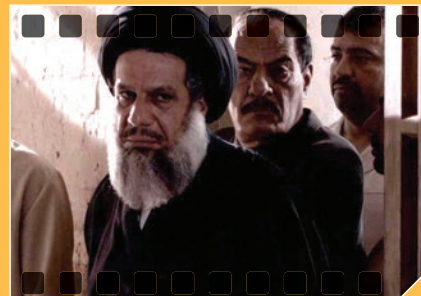
سفر نامه ها در طول تاریخ یکی از حوزه های مورد علاقه مخاطبان بوده است. سفر نامه هایی که گاهی حجم برخی از آنها به چندین جلد می رسد و گاهی در حد یک کتابچه است.

«لبنان زدگی» سفر نامه کوتاهی است که به تازگی به قلم سید حسین مرکی منتشر و روانه بازار شده است.

در معرفی این کتاب آمده است: «فرودگاه رفیق حریری تنها فرودگاه مسافری لبنان پند انگشتی است؛ ... مساحت لبنان از استان قم، کوچکترین استان ایران در تقسیمات سابق، کمی کمتر و جمعیتش اندکی بیشتر است. شاید تشبیه لبنان به استان قم مخصوصا برای کسی که ایران را می شناسد کمی گمراه کننده باشد؛ چون لبنان در هیچ چیز به جز شمار جمعیت و مقدار مساحت و نه حتی جمعیت و مساحت به قم شبیه نیست و بلکه نقطه مقابل آن است. در حالی که من نویسنده نمی توانم از سرائت ویژگی های پیوند خورده با تصویر قم به لبنان در ذهن مخاطب جلوگیری کنم. شاید بهتر باشد بگویم لبنان در دریاچه ارومیه جامی شود. یا مثلاً می توانم بگویم لبنان به عبارتی یک دهکده بزرگ است. این بهتر است. گویا اینکه مفهوم لبنان با مفهوم دهکده فقط یک تفاوت دارد: در قانون اساسی این کشور هجده فرقه مذهبی به رسمیت شناخته شده اند. دهکده منکثر».

لبنان زدگی در ۱۰۴ صفحه و با قیمت ۸۵۰۰ تومان از سوی نشر آرما منتشر شده است.

روایت زندگی آیت الله صدر را در «الشهید» ببینید



ساخت فیلم با مضامین انقلابی و درون مایه شهید و شهادت اکنون دیگر محدود به ایران نیست و در کشورهای مختلف آثاری با این مفاهیم ساخته می شود.

فیلم «الشهید» با محوریت زندگی شهید آیت الله سید محمد باقر صدر که از علمای برجسته و انقلابی عراق بوده اخیراً در این کشور ساخته شده است. این فیلم از موجودیت جنبش مبارزاتی اسلامی در دنیا دفاع می کند. الشهید یک بیانییه قدرتمند از جبهه انقلاب اسلامی در سطح بین الملل است چراکه سینما بهترین وسیله برای شناساندن شخصیت های جنبش اسلامی می باشد که انگیزه آنها فقط معنویت و انسانیت بوده است.

این فیلم با روایتی خطی و ساده زندگی مجاهدانه و سرشار از ایمان و عمل مجتهد بزرگ جهان اسلام، شهید صدر را روایت می کند و به بررسی چگونگی مبارزات مردم عراق در زمان به قدرت رسیدن صدام پس از دوران حسن البکر می پردازد. البته هنوز در عراق زمینه تأسیس یک سینمای قوی وجود ندارد و این فیلم با تلاش و هزینه شخصی ساخته شده است. نویسنده و کارگردان «الشهید» عبدالعلیم طاهر است. طاهر و عبدالرحمن النصری این فیلم را تهیه کرده اند و محسن باج، بتول موسوی، عارف حربی، اصیل عادل، عبدالرحمان النصری، احمد النیمی، فالح کریم و فلاح عبد در آن بازی کرده اند. از نکات جالب توجه در این فیلم بازگویی یک فرزند شهید در نقش شهید بنت الهدی است.

این فیلم که بیشتر در جشنواره بین المللی فیلم مقاومت به نمایش درآمده قرار است هفته آینده در سی و چهارمین دوره جشنواره جهانی فیلم فجر در تهران هم حضور یابد.